

پریش‌هایی در فقدان هنرمندی که جلای وطن کرد

بهمن محمص، یک پرسوناژ تاریخی



بهرز فایقان

این‌ها چه تجربه‌ای را می‌خواهد با مادر میان بگذارد؟

من یک پرسوناژ تاریخی هستم

در فیلم کوتاهی که احمد فاروقی در دهه ۵۰ از محمص ساخته، محمص این جمله را می‌گوید که «من یک پرسوناژ تاریخی هستم». این عبارت از زبان محمص به این معناست که او اعتقاد دارد در دوره خود هضم نخواهد شد زیرا به مناسبات زمان خود انتقادات اساسی داشت، پس تنها در زمانی دیگر می‌توانست مطرح شود. مراد منظمی، پژوهشگر و کارشناس هنر معتقد است بهمن محمص از منظر رابطه تاریخ هنر شرق و غرب و همین‌طور در بحث روایت تجدد و مدرنیسم بین‌المللی یک نمونه

بهمن محمص کیست؟ کمتر هنرمند عرصه هنرهای تجسمی را در تاریخ معاصر ایران سراغ داریم که به‌رغم اتفاق نظر بر قدرت کم‌نظیر آفریده‌های تصویری او، تا این اندازه در فردیت و واکنش‌های عاطفی‌اش نسبت به جهان شناسایی شود. از طرف دیگر از جاعات درون متنی آثارش تا این اندازه گسترده و پرمایه به نظر آید. هشت سال پس از گذشت بهمن محمص به نظر می‌رسد با وجود ستایشی که این روزها آثار او و هنرش می‌شود؛ پریش‌هایی جدی‌تر درباره او همچنان بی‌پاسخ مانده است؛ شاید مهم‌ترین پریش این است محمص از خلال همه

مثال زدنی است. اقلیم زیسته محمص گیلائی، رابطه‌اش با دیر و ایرانی که از طریق دریا به شوروی و چین و آسیا راه می‌برد و روحیه‌ای ایرانی-بین‌المللی به او می‌دهد مشخصاً با هنر اروپا و تجدد اسپانیولی و به‌طور کلی با تجدد رنسانس ایتالیایی و بازسازی هنرهای دوره‌های باستانی پیوند می‌خورد؛ این نوعی از آگاهی تاریخی است که تک‌بعدی نیست و با تمدن‌های مختلف که لایه‌لایه روی هم بازسازی می‌شوند شکل می‌گیرد. محمص، تاریخ کروئولوژیک که روایت علمی هر دوره را جای دوره قبلی می‌نشانند، یا آن‌طور که تجدد هر دوره را ضد تجربه نسل قبلی جایگزین می‌کند، قبول ندارد. محمص تاریخی را دنبال می‌کند که با لایه‌ها و بقایای دوره‌های گذشته دوباره در زمان حال حیات می‌یابد.

فردیت هنرمند

وباز تاب بحران بشریت

جنگ جهانی دوم و بحران بشریت در آثار بهمن محمص به‌طور عمده در زوال و فروپاشی فیگورها تجلی می‌یابند و سیطره حیوان بر انسان را به نمایش می‌گذارند؛ اگرچه در آثاری از محمص که ریشه در اساطیر یونانی دارند هم با نوعی حیوان‌خویی انسان روبه‌رو می‌شویم. تکه‌های سبزه‌ساز و بدن همچون پاسخ‌هایی نالانسان گراگانه‌اند به بحران بشریت و

وضعیت آگز یستانتسیالیستی پس از جنگ جهانی دوم، تجسد میل هنرمند به بازنمایی «حکومیت وجود» انسان نیست شده و فرو کاسته به عناصر جسمانی، موجودی «بی‌دست و پا». محمص تنها هنرمند ایرانی است که در آثارش نوعی فردیت از منظر روانشناسی کاملاً مشهود است؛ اینکه به راحتی می‌توانیم حال و هوای روحی و واکنش عاطفی او را در مواجهه با جهان اطرافش در یابیم. محمص تنها هنرمندی است که نوعی برخورد اجتماعی-تاریخی را در دل کارهایش و هم‌زمان با آنکه همچون تجربه جنگ ویتنام، جنگ ایران و عراق و تجربه حوادث زیست‌محیطی تجربه‌شان می‌کند، به نمایش می‌گذارد. محمص همه این تجربه‌ها را در کارش انعکاس می‌دهد و دیگر هنرمندان ایرانی با وجود تجربه‌های درخشان، روحیه فردیت و روانشناسی تاریخی را تا این اندازه در آثارشان به‌نمایش نمی‌گذارند.

این خود موضوع بسیار پیچیده‌ای است و می‌شود عمیق‌تر روانشناسی کرد که چرا در جامعه ایرانی و در تاریخ هنر قرن بیستم ایران فقط یک هنرمند است که با دارد چیزی به‌نام می‌گوید؛ او در طبیعت بیجان‌ها و غول‌های بی‌دست و پای دهه ۴۰ و نقاشی‌های بیشتر کاریکاتوری دهه پنجاه‌ها، یا مجسمه‌هایش که به‌رغم

تلاقی با دنیای معاصر منظره‌ای کلاسیک دارند، با این تناقض و دوگانگی شمایل کلاسیک و برخوردی کاملاً معاصر، با آن روحیه به‌شدت رنسانسی ولی محتوی خشونت رخدادهای سیاسی قرن چه تجربه‌ای را می‌خواست با ما در میان بگذارد؟

بهمن محمص

در یک روایت زندگینامه‌ای

بهمن محمص ۹ اسفند ۱۳۰۹ در خانواده‌ای لاهیجانی در رشت به دنیا می‌آید. محمص، خودش در فیلم مستند «فی‌فی از خوشحالی زوزه می‌کشد» که درباره زندگی اوست، به طنز می‌گوید نسبش از طرف پدر به مغول‌ها و از طرف مادر به قاجارها می‌رسد. در سال ۱۳۲۷ به تهران می‌آید و مدتی در آتلیه جلیل ضیاپور حضور دارد و به انجمنی که نشریه جریان‌ساز «خروس جنگی» را منتشر می‌کند، می‌پیوندد. این انجمن که به‌همت ضیاپور تأسیس شده بود، قصدش معرفی هنر نوین و مقابله با سنت‌های

دست‌وپاگیر در هنر و شعر بود. محمص سردبیر یک شماره از این مجله هم بود که در سال ۱۳۳۲ و با نام «پنجه خروس» منتشر شد. او در سال ۱۳۳۳، در

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حوادث پس از آن، برای اولین بار ایران را ترک می‌کند و در ایتالیا ساکن می‌شود. در آکادمی هنر رم، مدتی نزد فریو فراتزی به آموختن هنر مشغول است. حاصل این دوره از زندگی محمص، چندین نمایشگاه گروهی و انفرادی در داخل و خارج ایتالیا و شرکت در رخدادهایی چون بی‌ینال ونیز سال (۱۹۵۶ و ۱۹۵۸)، بی‌ینال‌های پاریس و سائوپولو در سال ۱۹۶۲، همچنین شرکت در دو دوره بی‌ینال نقاشی تهران در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۱ است. در سال ۱۳۷۶ در پی حضوری دیگر در ایران به

محمص تنها هنرمندی است که نوعی برخورد اجتماعی-تاریخی را در دل کارهایش و هم‌زمان با آنکه همچون تجربه جنگ ویتنام، جنگ ایران و عراق و تجربه حوادث زیست‌محیطی تجربه‌شان می‌کند، به نمایش می‌گذارد

همراه فرهاد و هرام، سپروس طاهباز و بهرام دبیری در ورکشاپ نمود در سمنان شرکت می‌کند. حاصل این سفر برای محمص خلق پنج اثر با تکنیک نماد است. محمص در دهه ۱۳۸۰ پس از سال‌ها دوری و در پی تلاشی ناکام برای اقامت در تهران، مجموعه‌ای از مجسمه‌هایش را به دست خود نابود می‌کند. مرگ برادر و سرخوردگی و ناامیدی او را دوباره به رم باز می‌گرداند. در آبان ماه ۱۳۸۵ نمایشی از نقاشی‌های محمص در کاخ نیاوران که تعدادی از آثار او را نگهداری می‌کند بدون حضور او برپا می‌شود. بهمن محمص شامگاه ششم مرداد ۱۳۸۹ در خانه‌اش در رم با جهان وداع می‌کند.



جشنواره

همراه بانک ایران زمین

۱ بهمن ۹۷ لغایت ۳۱ فروردین ۹۸

- جوایز ویژه به ارزش ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- کمک هزینه خرید گوشی همراه به ارزش ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- صدها کارت هدیه ایران زمین
- هزاران بسته ۵ گیگابایتی اینترنت ماهیانه

جهت کسب اطلاعات بیشتر به باشگاه مشتریان بانک ایران زمین به نشانی Club.izbank.ir مراجعه فرمائید.

www.izbank.ir

ایران زمین خانه است